

قیمت فلسفی

ازدواج و مقام زن در اسلام

آقای مدیر محترم!

شرحی را که در شماره (۸) سال دوم مجله شریفه ایران‌شهر تحت عنوان «ازدواج با دختران ایرانی و یا فرنگی» مرقوم و مطلب بسیار مهمی را در ضمن شن‌سؤال مطرح کرده بودید ملاحظه و قرائت کردم، جای بسی خوشوقتی است در عصریکه اینگونه حرکات مغایر ادب در ایران عمومیت دارد و اهالی آن سرزمین را قبایح و مفاسد بسیار از چهار طرف احاطه کرده و از سینه‌های گرفته هواخواهان ترقی جز فریاد یأس چیزی تراوش نمیکند در چنین موقع سهمگینی حضرتعالی با یک شجاعت ادبی نظری بروج اخلاقی و اجتماعی و معایب جاریه ایران انداخته بوسیله طرح چنین سؤالاتی جامعه ایرانی را بمقاومت خرافات و اوهامیکه تار و بود ملت ما را از هم گسیخته و زندگانی را برای ما عالمی پر از زحمت و عذاب مجسم نموده است دعوت میکنید.

آفرین بر آن قلم با تقدیر، و احسنت بر آن خامه در فشان. سؤالاتی را که مطرح کرده و جوابهای مقتضی آنها در خواست فرموده‌اید، گر چه بی استعدادی محیط ایران و تجربیات تلخ گذشته بما اجازه نمیدهد هنوز بعضی مطالب را علنی و بی پروا بنگاریم ولی برای اینکه امثال اوامر عالی شده باشد لازم دانستم نظریات خویش را تا آندرجه که ممکن است از لحاظ اجتماعی سؤالات مزبوره اظهار و اینک در دو مبحث تقدیم حضورتان به نمایم:

۱- جواب سؤالهای مزبور:

۱- امتیاز و رجحان ازدواج دختران ایرانی بفرنگی از نقطه نظر حفظ نژاد و سلاله نهایت درجه لزوم و ضرورت را دارا و برای اینکه نسل ایرانی از بین نرود، و پس از یکی دوپشت دیگر بکلی آداب و رسوم زبان و اخلاق و سایر شعایر ملی ما محو نگردد ازدواج جوانان ما با دختران ایرانی بعقیده بنده از شروط حتمیه سعادت نژاد آتیه ایران محسوب و اگر این مسئله اجتماعی مراعات نشود، بی شبهه اصل و عنصر ایرانی بتدریج رو بضعف و تحلیل نهاده هويت او در ورطه فراموشی معدوم خواهد شد.

۲- مبنای نامه زندگانی اروپائی و ایرانی و خصوصاً حس تقلید کورکورانه ایرانیها که «ای دوصد لعنت بر این تقلید باد» ازدواج جوانان ایرانی با دخترهای فرنگی را غیر از زنجیری که بدست و پای آنها به بندد و بمرور ایام آنها را به مبادی و مقررات اجتماعیه خویش پیگانه سازد و پس از اندکی آقایان ایرانیت و ملیت خودشانرا بکلی وداع و برای ادامه حیات بصورت و سیرت اروپائی صرف در آیند نتیجه دیگری تاکنون نه بخشیده، جوانان ما که زنهای اروپائی گرفته امتحانات خوبی نداده اند؛ و ما در عین آنکه ملا نماهای بسواد را عامل مؤثر تیره روزی و اسارت نسوان ایران میدانیم جوانان اروپائی مسلک را نیز در این جنایت بی نصیب نمیدانیم.

در این عده قلیل خود پسند که دخترهای اروپائی اختیار کرده اند دیگر از ایرانیت اثری باقی نمانده حتی نگارنده بعضی از آنها را میشناسد که از ایرانی بودن خود نحاشی و بالمره

دامن از جامعه برفشانده‌اند، کدام يك از این آقایان پس از سالها اقامت در آفاق وسیعۀ اروپا و اطلاع از اسرار ترقی غرب در سعادت زنهای ایران فداکاری نموده‌اند؟ کدام يك در راه نهضت نسوان و پیشرفت آنها قدمی بر داشته و طرق علمی را بعالم ارائه داده‌اند؟

از صنایع، فلسفه، ادبیات و بالاخره از قیاس ترقیات غرب چه هدیه و ره آوردی جهت آنان فرستاده‌اند؟
 کدام يك از عوامل تعالی و ترقی را بمعرض استفاده مشتاقان گذارده‌اند؟ بلی! با این شوربختی و بیچارگی فعلی ایرانیان و با این جامعه پریشان روزگار که هر ساعت به تهدید مرگ دوچار است آقایان در عوض آنکه لا اقل چند قطره اشك حسرت از دیده ریخته در مقام رفع نواقص این زندگانی ملالت بخش بر آیند، یکباره یار و دیار خویش و پیوند خود را هم فراموش کرده، کوئی گذشته‌ای وجود نداشته و چنانکه ایرانی را در تمام عمر خود ندیده‌اند. بدیهی است با این رفتار و با این گفتار و با این جوانان حساس نه تنها از ازدواج دخترهای فرنگی خدمتی به نژاد آتیۀ ایران نمی‌شود، بلکه هیچگاه نمی‌توانیم بطرف اصلاحات فکری و اجتماعی قدمی بر داشته سعادت فرزندان استقبال را صیانت نمائیم.

۳ — وفاداری و حس عشق و عفت و روح ادبی که نشان آدمیت است بضمیمۀ علم معاش و خانه‌داری از شرایط ناگزیر هر زنی است تا قابل ازدواج گردد.

۴ — بزرگترین مانعی که سد راه تزویج دختران ایرانی گشته جهل است، گمان نمیکنم هنوز دخترهای ایران نسبت به

پسرها پیشرفت شایانی کرده باشند، هنوز دخترهای ایرانی و زنهای ایران بهمان عادات و خرافات و معتقدات بی اساس خود باقی هستند، هنوز دختران ایرانی بواسطه تقصان تربیت و تعلیم در افکار آنها، و بواسطه انزوا و عدم مصاحبت با مردها از هر سعادت مایوس و باید با قلبی پراز اندوه و آرزو، حرمان و دل‌باختگی و سوگواری روزگاری را بناکمی بگذرانند.

آری! زنی که مفهوم لطف و ظرافت است، گل روح پرور بستان آفرینش است، جایگاه عشق و کاشانه محبت انسان است، باید در ایران، اسیر سر پنجه تحکم و استفاده مردها واقع گشته بصددمات و حوادث گوناگون دچار باشد.

اشتباه نشود فریب چهار باب مدارس اسمی نسوان را نباید خورد، بیچاره يك دختر بنوای ایرانی همین که از تحصیل مدارس اولیه فراغت یافت بدون تأمل بخانه پدر یا شوهر خود رفته در تحت حجاب وهم و خیال بزندگان قدیمی، یا همجی رجعت و در نتیجه آن فجایع و مزاحمتها و آن شدايد بیحد و حصر داخلی و خارجی جرعه تلخ زندگانی را در کام عمر خود میریزد! این است حال و روزگار يك زن بدبخت ایرانی! و معلوم

است با این اوضاع فقرت آورنده کنونی، با این تظاهرات شرم آور جهال و با این رذایل حیاتی و مفسد اخلاقی جامعه، با آن مناظر حزن انگیز و خستگی آور، با آن سیماهای غیر موزون و نامتناسب و بالاخره با این حکایات و افسانه‌های قرنهای گذشته که تاریخ ما را پر کرده هیجوقت عده محدودی نمیتواند عیوب موجوده را اصلاح و مساوی را بمحاسن مبدل سازند، و تا موقعی که اهالی ایران اسیر عقاید سخیفه اخوندها بوده سر از خواب

گران غفلت بر نیارند، و تاریکی جهالت را از فضای قیرگون خود دور نسازند، جامعه را از اخلاق نکوهیده منزه نکنند چندان امید بهبودی نباید داشت، تا وقتی که اتصالات ما بین زن و مرد التیام نیابد؛ مراوده و آمیزش، آزادی و استقلال طرفین بموانع و مخاطرات دچار گردد، نعمت تربیت و دانش بر زن حلال نگردد و آنان را از ردیف دواب و بهایم خارج نگردانند نتایج مطلوبی بدست نخواهد آمد و برای اینکه به بنیم بچه وسیله میتوان زودتر در حل این مشکلات و رفع این همه محذورات کامیابی حاصل و نسوان ایرانی را تا اندازه‌ای مستعد زندگانی این عصر نمود، باید در خصوص مسئله حجاب (حجایی که روح اسلام از آن بیخبر است) که از بدعت‌های مستحدثه آخوندهای ایران شمرده میشود مساعی لازمه مبذول و این نفوس ذکیه بیگناه را مثل نسوان مسلمة سایر ممالک عالم آسوده و راحت ساخت.

۵ — گمان نمیکنم زندگانی زنهای فرنگی در ایران صعوبتی داشته باشد، چه این طایفه بواسطه اعتلاء روح و فکری که در آنها یافت میشود، در هر حال هوا، محیط و هیئت اجتماع را مقهور میل و اراده خود نموده و می‌توانند بدون مانع و عایقی در هر جا بسربرند.

اما زیست زنهای ایرانی در فرنگ با این جوانان معلوم الحال بنظر بنده فوق العاده مضر و مستوجب تخریب است، بلکه در عوض اقامت در ممالک خارجه باید از سوانح محیط و تجاوز افراد بی عاطفه پیش گیری و در صدد تکمیل نواقص بر آمد، چه فعلاً برای نسوان ایران مکان اجتماعی مخصوصی ضمین و کفیل ترقی و تکمیل آنها است (ایران) که باید بوثایق و معلومات اخلاقی

ان بدو نایل کردند.

۶ — جواب این سؤال منوط بداشتن احصائیه‌های سالیانه (استاتستیک) وزارت معارف ایران است که عده شاگردان و تحصیل کرده‌های ذکور و اناث را صحیحاً تعیین نماید، و بدیختانه تاکنون چنین احصائیه‌ای از طرف وزارت معارف بمعرض اطلاع عامه گذارده نشده است.

۲ — مقام زن در اسلام

در این جا ممکنست بعضی ابلیسهای آدم صورت که مولوی رومی در وصف آنها فرموده:

ای بسا ابلیس آدم‌رو که هست پس بهر دستی نباید داد دست
برای تشتت اذهان عوام در رفع حجاب هممه و جنجالی برپا کرده
کلمات رکیک و القاب ناشایست بطرفداران آن بدهند، در این
صورت ما هم مجبوریم آنها را مخاطب ساخته با صدای بلند بگوئیم
ای منتسین بمقامات مقدسه روحانیت!

شما که احکام و شرایع دین مقدس اسلام را بکلی فراموش کرده، مآثر و مفاخر دین قومرا در تاریکیهای جهل و جنون نابود کردید، و اسلام بواسطه بی‌مبالاتی و جهالت و تعصب خشک شما احترام و اعتبارش از میان رفت و رشته انتظامش از هم کسبخته شد، شماها که بواسطه تجاوز از حدود مقرر شرع مطاع ایران و ایرانیان را گرفتار ظلم، شقاوت، بدبختی و فساد اخلاق نمودید، و یک مشت ملت فلاکت زده را در آتش حرص و آز خود سوزاندید تاکی می‌خواهید آنانرا زیر زنجیر عبودیت خود مقید و احکام دین را برحسب هوا و هوسهای نفسانی و حیل‌های شیطانی

خودتان تفسیر بنمائید.

شما از شرافت و افتخار اسلام چیزی باقی نگذاشتید. شماها که از خوردن مال وقف، مال صغیر و کبیر، تاجر و زارع روگردان نیستید، و از پست ترین موارد با نهایت بی شرمی استفاده میکنید، و مردم را برذالت و دنائت تبلی و تن پروری تعلیم میدهید، چرا نیگذارید ملتی که مشرف بسقوط است بر خاسته خود را از این نکبت و این پریشانی آزاد سازد؟

اگر اسلام و مسلمانی این است که شما فهمیده و نور فضیلت را در دل‌های غمدیده ما خاموش کرده‌اید، پس چنین اسلامی بر فرق شما باد بلکه هیچ مباد فنا بهر شما بهتر. شما هر طور میخواهید آیات الله و نوامیس مقدسه الهیه را بیل و اراده خود تفسیر و مایل نیستید که مردم بی به اصول دیانت برده بر طبق آن عمل کنند.

شما حاضر نیستید لودگی و دیوانگی را کنار گذارده بعراض حقه دیگران گوش استماعی فرا دهید، راضی نیستید مردم ایران از شرق تا غرب، از شمال تا جنوب بوئی از اسلامیت استشمام و درهای استفاده را بروی خود بکشایند، ای، زهی خجالت و زهی شرمساری!

اگر شما آلت بی انصافی را از دست انداخته با من لجاج نمیکردید بشما میگفتم، زنهایی که در اثنای انقلاب اجتماعی بزرگ قبل از اسلام و در موقع ظهور آن بر اثر نهضت در افکار و آراء شهرت و معروفیت یافتند و در فنون متنوعه از قبیل سیاست، جنگ، ادب، شعر، صنعت و تجارت بر مردها تفوق جستند بسیار وعده آنها از شمار خارج است، بلکه علو مرتبت و مقام

بعضی از آنها در علوم و فنون بدرجه بوده که آنها را از بزرگترین عوامل نهضت اعراب و نشر لواء اسلام بالمیان معرفی کرده است. و بسیاری از رجال نامی، فرماندهان، حکام و علما افتخار میکردند که در دامان تربیت چنان نسوانی پرورش یافته اند. اگر عصرهای زمان گذشته زبان و یانی داشتند شاید بشما میگفتند که زن در صدر اسلام و حتی بعد از آن چه حقوق و احتراماتی را در هیئت جامعه دارا بود.

حضرت خدیجه در اوایل امر مدتها توسط عمال و گماشتگان شخصی خود به اطراف و اکناف ممالک تجارت میکرد. عائشه ام المؤمنین که در هوش و ذکاوت نادره دهر و بالغه عصر خود بود همیشه به عده‌ای از اصحاب پیغمبر ریاست داشت و فداکاریهایی که این بانوی عظمی در مجاری سیاست صدر اسلام کرده بالاتر از آن است که بتوان از آن ذکری نمود.

تقریباً دوهزار حدیث از این مخدرة نقل شده و خود پیغمبر صلعم در زمان حیات به صحابه خود میفرمود «(۱) خذوا نصف دینکم عن هذه الحمیراء (عائشه) همین طور اسماء بنت ابوبکر خواهر ام المؤمنین، همین قسم خنساء شاعره شهیره که چهار پسر خود را در واقعه قادسیه به ثبات و پایداری تشویق و آرزو میکرد فرزندانش در راه حق شهید میشدند، و موقعی که خبر قتل آنها بدو رسید گفت «الحمد لله الذی شرفنی بقتلهم» همین طور هند مادر معاویه ابن ابی سفیان که سر آمد روزگار خود محسوب میگشت.

اما مشاهیر نسوانی که در ادب و شعر مقام ارجمندی را فائز

(۱) نهضة المرأة العربية في التاريخ تأليف عبدالفتاح عباده ص ۸.

گشتند و شعرا و متفکرین از ملکات و محسنات آنها سخن رانده اند بسیار و مشهورترین آنها از این قبیل اند.

«سکینه بنت الحسین» که با بزرگان و رؤسای فریش مصاحبه ها میکرد و شعرا را بمنزل خود دعوت و ولیمه ها میداد و سؤالاتی بر آنها مطرح و اقوال آنانرا انتقاد میکرد.

«عایشه بنت طلحه» که بواسطه حسن طلمت و تبحر در علوم و شجاعت و قوت قلب شهره آفاق و با وجود صباحت و جمال صورت خودرا از کسی پنهان نمیکرد و با بزرگان و رجال در شعر و ادب مباحثات میکرد.

«جزله» که از نسوان نامی صدر اسلام و در مکه اقامت داشت همه سال اعراب را از اقطار و نواحی بعیده بمنزل خود دعوت و عده کثیری در مجلس او حاضر می شدند.

«عمرة الجمحیه» ادیبه و شاعره، همیشه دوست داشت با مردها و ادبا و شرای عصر خود مباحثه و مناقشه کند و بدین جهت بسیاری از اعظم رجال و ادبا بمجالست او افتخار میکردند. «دنائیر» ادیبه مغنیه در عصر عباس اکثر اوقات خویش را بمذاکره با اهل فضل و علم مصروف میداشت.

«علیه بنت الهدی» (۲) خواهر هارون الرشید و عمه مأمون ۷۳ آهنگهای مختلفه در موسیقی اختراع و تقریباً میتوان گفت در ردیف بهترین الحان این فن محسوب و آنرا در حضور رجال و اساتید ماهر فن می سرود.

«قطر النداء» (۳) مادر مقتدر بالله مقام و منزلت رفیعی در

(۲) اغنی امام ابو الفرج اصفهانی ص ۱۴ ج ۷.
 (۳) النساء فی الاسلام ص ۲۱. این کتاب متن نطقی است که Datt. I. Lampiasi
 پروفیسور دار الفنون روما در سال ۱۳۲۳ هجری در احتفال ملی تونس بزبان فرانسه ایراد
 و سپس توسط یوسف کوهی بمری ترجمه شد.

محاکم شرعیه داشت و امنای دولت و سفرا را همیشه به مجلس خود قبول میکرد.

ملکه زبیده زن هارون الرشید، فضل شاعره نایبه ایام خلافت المتوکل بالله، فخر النساء بنت ابی نصر احمد بن الفرج بن عمر الابری که از اجله و مشاهیر علمای قرن ۶ هجری بود، زینت ام المؤمنین که در علم فقه امتیاز خاصی داشت، ام علی بنت ابی الفرج معاصر سلطان صلاح الدین، ام الخیر فاطمه و ام ابراهیم فاطمه یزدانی که بسبب تعلیم فقه اشتهار یافتند، و همین طور صدها و هزارها نسوان عالمه و عقیقه دیگر بودند که مردانه بر فراز منابر رفته بوسیله نطقها و خطابه‌های مهیج مردم را براه راست هدایت میکردند.

از موضوع دور نشویم میخواستیم در موضوع حجاب حرف بزنیم. بنابراین میگوئیم در تمام آن نهضت‌های اجتماعی صدر اسلام و ما بعد آن زن در کمال حریت بود و با مرد فرق و امتیاز فاحشی نداشت. بلکه اعراب (۴) بمقتضای فطرت و طبیعت اقلیم در مجامع و محافل با زنها اجتماع حتی در کعبه با هم طواف میکردند و حجاب را فی حد ذاته یک نوع خدعه و تزویری از طرف زنها میدانستند، هر زنی که آنها استعمال مینمود در وهله اول حمل برزشتی و قباحت منظر او میشد و از این جهت در ضرب المثل‌های اعراب وارد شد «ترك القناع من ترك الخداع» و عمر بن ابی ربیع که از شعرای نامی عرب محسوب می‌شود، عادت زنهای آن عصر را در ترك حجاب در دیوان خود ذکر کرده و در یکجا میگوید:

(۴) اغانی ص ۱۸۳ ج ۱۰ و ۱۸۴ ج ۰۷

«ولما تفاوضنا الحديث واسفرت وجوه زهاها الحسن ان تثقنا» و تبریزی در شرح این شعر میگوید: «وهكذا كانت نساء العرب تفعل اذا كانت جميلة» و شماخ نیز در این مورد میگوید: «اطارت من الحسن الرداء المحبرا» و ابونجم گوید: «من كل غراء (۵) سقوط البرقع» (۶) با این حال آیا می توانید حقیقت را انکار و باز به تفسیر و تأویل بی مدرك خود استناد جوئید؟ در این صورت بشما میگویم:

و کم من عائب قولاً صحيحاً و افته من الفهم السقيم

خوب است آقایان نظری هم بطرف مسلمین مصر و سایر ممالک عالم انداخته از این سخافت عقل و سوء تدبیر و ضعف نفس و جهالت خود شرمسار شوید.

چقدر شایسته است معنی روحانیت و حقیقت اسلام را از علمای اعلام مصر درك و تشنگان فهم و ادراك را از این منهل صافی (دین قویم اسلام) سیراب کنید آخر احکام دیانت که تبعیض ندارد، اوامر و نواهی الهیه نسبت بجمیع مسلمین یکسان و دیگر قابل تغییر و تأویل نیست مگر نه مصر از ممالک اسلامی است در کجای آن حجایی که شما حکم بوجوب آن داده و آنرا از ضروریات دین اسلام دانسته اید وجود دارد، در حالتیکه زنها تمام به تیاترها و تماشاگاهها و محللهای عمومی آمد و شد دارند

(۵) بفتح غین زیبا و خوشکل.

(۶) در خصوص حجاب و نقاب و مفساد اجتماعی از که در این مختصر مجال ذکران نیست رجوع شود به کتابهای ذیل: تحرير المرأة والمرأة الجديدة تأليف قاسم بك امين، ابو الفداء، افلى اصفهانى، اشهر النساء تأليف مرحوم معتمد السلطنة وزير معارف سابق ايران. كشف النقاب عن دين الاسلام، كتاب محمد ومحمدیه ماكس مولر، كتاب حقیقت اسلام و شریعت اسلام تأليف فیلسوف بزرگ امیر علی هندی

"A short History of the Saracens, and Mohammedan Law or Spirit of Islam" by Amur Ali Sayed.

و بدون اینکه کسی متعرض حال آنها بشود و یا بشئون آنها خللی وارد سازد در سیر و حرکات، حتی این ایام صحبت انتخابات زن در مجلس مبعوثان مطرح و عنقریب صورت فعلیت خواهد یافت. پس اگر چنان حجاب نیش‌غولی از کتاب خدا و اخبار و احادیث مستفاد می‌شد علمای عرب بهتر از شماها فهمیده زنان مسلمین را به استعمال آن تکلیف میکردند، از این هم دریغ داریم، در همان ایران میان ایلات و قبایل و مردم صحرائشین کجا حجابی وجود دارد؟

ولی خیر ای مجسمه‌های جهل و غفلت، و ای بازرگانان جلوه‌ظاهری و ای گروه گمراه! روزگار خود سری و تیره رانی شما سپری شد، وقت است که دیگر در امور حیاتی و اجتماعی مردم تیره اختر ایران مداخله نموده همان به استفاده از نعمات و کامرانیهای خودتان مشغول باشید دیگر کسی فریب شمارا نمی‌خورد مردم ایران بخوبی تشخیص داده و یا خواهند داد کسانی که مبدأ مفاسد و مصائب اجتماعی آنان شمرده میشوند نمی‌توانند اخلاق دیگرانرا اصلاح نمایند آخر از فساد چگونه امید اصلاح می‌توان داشت

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش کسانی که از نعمت صفات فاضله محرومند، و همه چیز را فدای شهوات حیوانی و منافع خویش می‌نمایند و دیانت را بقول شاعر محبوب:

مردم مدرسه را خوب شنا سن یفما
کافر من اگر این طایفه دینداراند

غیر از وسیله هر زگی و شرارت چیز دیگری نمیدانند، و هر گاه در مقام تربیت افکار و تهذیب اخلاق، و اصلاح اجتماعی سعی و اقدامی از خود نشان نمیدهند، چنین اشخاصاً روزگار و حوادث عمومی عالم از مداخله در شؤونات ملی محروم داشته است.

قد نسخ الشرع فی زمانهم

یا لیتهم مثل شرعهم نسخوا

قاهره - ۷ مه ۱۹۲۴ م. مصطفی طباطبائی

قسمت تاریخی

زن در نظر تاریخ

امروز يك هیجان غربی در ایران مشاهده میشود و تقریباً يك شورش عجیبی که نمیتوان يك منشأ منطقی از برای آن تصور کرد سراسر يك مملکتی را که هنوز بعضی استعدادات در آن مفقود است گرفته است و آن مسئله زنها است.

اگر تواریخ اروپا را به بنیم و اگر دوستان انسانیت نه طرفداران شهوت، اوضاع امروزه اروپا را در موضوع زنها ملاحظه کنند، خواهند دید که هنوز مقتضیاتیکه زنهاى ایران را اروپائی کند و بالاخره زنهاى آنسامان را در هیئت اجتماعیه مردها داخل نماید موجود نیست و در يك چنین محیط پر آشوبی، نه غرض از محیط